

عدالت بدون دادگاه

تحلیلِ حقوقی - جرمِ نفاقِ اصلِ حاکمیت قضائی دولت

دکتر امیر حمزہ زینالی

ستار آتش سخن

سرشناسه	زینالی، امیرحمزه، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	عدالت بدون دادگاه: تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی اصل حاکمیت قضایی دولت / امیرحمزه زینالی، ستار آتش‌سختن. تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
مشخصات نشر	۲۳۲ ص
مشخصات ظاهری	۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۴۷۱-۴
شابک	فیا
وضعیت فهرست‌نویسی	ص.ع. به انگلیسی: Sattar Amirhamzeh Zeinali, AtashSokhan, Justice Without Trial: Legal and criminological analysis of government's Judicial's authority Principle
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۱۷] - ۲۲۹، همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	جرم‌شناسی - ایران
موضوع	جرم‌شناسی - سیاست دولت
موضوع	حکم حکومتی
موضوع	حقوق جزا - ایران - مطالب گوناگون
موضوع	حقوق جزا (فقه) - ایران
موضوع	مجازات - ایران
تنبیه افشا	آتش‌سختن، ستار، ۱۳۶۳ -
رده‌بندی بکره	۱۳۹۵ ع ۴ ۹۱۵ ز / ۳۸۰۰ KMH
رده‌بندی دیوید	۳۴۵ / ۵۵
شماره کتابت سی	۳۹۰۷۲۱۴



استشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین

خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لایق، نژاد - نرسیده به

خیابان دانشگاه - پلاک ۱۰۰ - واحد ۲

تلفن ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۵۸۴۰۶۶۱

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی - (قسمت کتابفروشی) - تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳
فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب - خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) - پلاک ۹۲ - تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰ - ۶۶۹۸۰۷۵۰
فروشگاه شماره ۳: خیابان انقلاب - نرسیده به میدان فردوسی - کوچه شهید براتی - دانشکده حقوق دانشگاه آزاد - طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی) - تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

عدالت بدون دادگاه

دکتر امیرحمزه زینالی - ستار آتش‌سختن

چاپ اول: ۱۳۹۵ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۱۶۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-471-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۴۷۱-۴

«در طول تاریخ بشریت همیشه و همه جا دادگستری‌ها دو چهره داشته‌اند. گاهی زیبا و دوست‌داشتنی و زمانی کریه و بدمنظر بوده‌اند. تاریخ تحول دادرسی‌ها نشان می‌دهد که به مرور چهره زشت در پشت ابرهای تاریک نهان گردیده و اهریمن استبداد در پایانه‌های جهنمی محکوم و فنا شده است و چهره تابناک فرشته عدالت همچون آفتابی درخشان در جهان پرتوافشانی کرده و خواهد کرد و دیر و یا زود انسان‌های آزاده و پاک‌سرشت، داددهی فرشته عدالت را احساس خواهند کرد».

شادروان استاد دکتر محمود آخوندی اهری^۱

این کتاب، تقایم می‌شود به روح آزاده این استاد در گذشته که در نمایان ساختن چهره تابناک فرشته عدالت در ایران نقشی بی‌بدیل داشت و هرگز در آشکار کردن چهره زشت دادگستری، سیر مصلحت‌اندیشی‌های پوشالی و زرق‌وبرق جاه و مقام نشد. این جمله استاد در کلاس درس، ده‌ها بار تکرار شد. اهرگر فراموش نمی‌کنم که می‌گفت: «روش‌های دادرسی کیفری، اصول شناخته‌شده‌ای است که در دنیای فعلی به آن عمل می‌شود و منطبق با تحقیق دانشمندان در شخصیت انسان‌هاست. بشریت بعد از قرن‌ها مبارزه، چاره‌اندیشی، ایثار و از خود گذشتگی توانسته است آنها را به دست آورد و در پناه آن از امنیت قضایی بهره‌مند گردد. بنابراین نباید غفلت ورزید و به سهولت آنها را از دست داد».

مردمانی جان خود را بر جهان افزودند

آفتاب جانشان در کار بود جان ما

مردمانی رنگ عالم را دگرگون کرده‌اند

هر یکی در کار خود نقش آفرین همچون خدا^۲

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (جلد چهارم) اندیشه‌ها، قم: انتشارات اشراق (دانشگاه قم)، چاپ اول، شهریور ۱۳۷۹، ص ۱۲۰
۲. مشیری، فریدون، زیبایی جاودانه (منتخب ۱۲ دفتر شعر) نشر سخن، چاپ هشتم، ۱۳۸۶، دفتر از دیار شادی، شعر «نقش» ص ۳۹۵.

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
بخش اول: مبانی و دغدغه‌های اصل حاکمیت قضایی دولت و راهکارهای حمایت از آن	
مقدمه	۲۵
فصل اول: بنیان‌های اصل حاکمیت قضایی دولت	۲۹
مبحث اول: مبانی نظری اصل حاکمیت قضایی دولت	۳۰
گفتار اول: نظریه قرارداد اجتماعی	۳۰
بند اول: مفهوم قرارداد اجتماعی و پیشینه آن	۳۰
بند دوم: توجیه اصل حاکمیت قضایی دولت در بستر نظریه قرارداد اجتماعی	۳۴
گفتار دوم: نظریه برابری شهروندان	۳۵
گفتار سوم: نظریه عدالت	۳۷
بند اول: تعریف و مفهوم عدالت	۳۷
بند دوم: اقسام عدالت	۳۸
الف. عدالت اجتماعی	۳۸
ب. عدالت طبیعی یا عدالت روبه‌ای	۴۰
پ. عدالت مکافات‌ی «جبرانی»	۴۱
ت. عدالت حقوقی	۴۱
بند سوم: اجرای عدالت و ایجاد تعادل، پیامد دولت منسجم و قدرتمند	۴۱
گفتار چهارم: حقوق بشر	۴۳
بند اول: کرامت انسانی	۴۴
الف. معنا و مفهوم کرامت انسانی	۴۴
ب. رعایت کرامت انسانی از طریق اعمال اصل حاکمیت قضایی دولت	۴۴

۴۶	بند دوم. حق بر حیات
۴۶	الف. مبانی نظری حمایت از حق حیات
۴۸	ب. وظیفه دولت در حمایت از حق حیات افراد جامعه
۴۹	بند سوم. حق بر امنیت
۴۹	الف. امنیت فردی
۵۰	ب. امنیت اجتماعی
۵۰	پ. امنیت قضایی
	ت. حصول امنیت (فردی، اجتماعی، قضایی) از رهگذر تشکیل دولت و حاکمیت قضایی
۵۱	دولت
۵۲	مبحث ۱۴م: دلیل جرم‌شناختی و اجتماعی
۵۲	گفتار اول. بی‌نظمی و هرج و مرج و ارتباط آن با اصل حاکمیت قضایی دولت
۵۳	بند اول. نظر به راجع در مورد اجتماع و جامعه‌پذیری
۵۳	الف. اجتماع از نگاه هابز و کانت
۵۴	ب. کنترل اجتماع
۵۶	بند دوم. سرکوب هرج و مرج و ایجاد نظم در پرتو حاکمیت قضایی دولت
۵۷	گفتار دوم. نقش دولت در کاهش جرم
۵۹	گفتار سوم. ضرورت حمایت از نزهت‌بخش در جامعه
۶۱	گفتار چهارم. اصل حاکمیت قضایی و پیشگیری از جرم
۶۵	فصل دوم: سازوکارهای حقوقی دولت از اصل حاکمیت قضایی دولت
۶۶	مبحث اول. شناسایی اصل و حمایت از آن در مقررات فراتقنینی
۶۶	گفتار اول. جلوه‌های اصل حاکمیت قضایی دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۶۷	بند اول. شناسایی اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۶۷	الف. رسیدن به امنیت قضایی عادلانه در سایه اصل حاکمیت قضایی دولت
۶۹	ب. حاکمیت دولت در حکم به مجازات و اجرای آن
۷۰	ت. حمایت دولت از حقوق اساسی افراد جامعه
۷۲	بند دوم. حمایت از اصل در قانون اساسی
۷۳	گفتار دوم. اصل حاکمیت قضایی دولت در اسناد بین‌المللی
۷۴	بند اول. منشور ملل متحد
۷۴	بند دوم. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۷۷	بند سوم. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۷۹	بند چهارم. اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره)
۷۹	گفتار سوم. رویکرد تطبیقی
۸۰	بند اول. آمریکا «ایالات متحده»
۸۰	الف. عدم مجازات افراد بدون محاکمه
۸۱	ب. اختیار قوه قضایه در برخورد با مجرمین

۸۱	پ. تضمین دادرسی منصفانه در دادگاه‌های ایالات متحده.....
۸۳	بند دوم. ایتالیا.....
۸۳	الف. آزادی افراد و مصون ماندن از تعرض در سایه حاکمیت قضایی دولت.....
۸۴	ب. دادخواهی و اصل حاکمیت قضایی دولت.....
۸۴	پ. اعمال دادرسی توسط قاضی.....
۸۴	بند سوم. ژاپن.....
۸۴	الف. حمایت از حقوق افراد در پناه قانون.....
۸۵	ب. اصل حاکمیت قضایی دولت و دادرسی منصفانه.....
۸۶	مبحث دوم: ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در حقوق موضوعه.....
۸۶	گفتار اول: هم‌دستی حقوق کیفری در حمایت از اصل حاکمیت قضایی دولت.....
۸۷	بند اول. سازکارهای راجع به شناسایی اصل در قانون مجازات اسلامی.....
۸۷	الف. شناسایی اصل حاکمیت قضایی دولت و حمایت از آن از رهگذر مراجعه به محاکم.....
۸۸	ب. جرم‌انگاری نقض اصل حاکمیت قضایی دولت.....
۸۹	پ. ممنوع بودن رای قاضی بدون اذن حاکم.....
۹۰	بند دوم. آیین دادرسی کیفری.....
۹۱	الف. وظیفه دادستان در تعقیب جرمین.....
۹۳	ب. وظیفه مردم عادی در برخورد با جرائم.....
۹۳	گفتار دوم: حمایت از اصل حاکمیت قضایی دولت از رهگذر پیش‌بینی سازوکار جبران خسارت.....
۹۴	خسارت.....

بخش دوم: موارد عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت

۹۹	مقدمه.....
۱۰۱	فصل اول: موارد جواز نقض اصل حاکمیت قضایی دولت.....
۱۰۲	مبحث اول. نادیده گرفتن اصل حاکمیت قضایی دولت به واسطه عوامل موجب جرم.....
۱۰۲	گفتار اول. دفاع مشروع.....
۱۰۲	بند اول. تعریف و مفهوم دفاع مشروع.....
۱۰۳	بند دوم. مبانی دفاع مشروع.....
۱۰۳	الف. حق طبیعی.....
۱۰۴	ب. اجبار معنوی یا دفاع تحت تأثیر اکراه.....
۱۰۵	پ. اجرای عدالت، نفع اجتماعی و قرارداد اجتماعی.....
۱۰۶	ت. عدم تأثیر مجازات مدافع.....
۱۰۶	ث. کرامت انسانی.....
۱۰۷	بند دوم. تحلیل حقوقی دفاع مشروع.....
۱۱۰	بند سوم. تحلیل جرم‌شناختی دفاع مشروع.....

- الف. امکان جرم زایی دفاع از عرض و ناموس به صورت مطلق در پرتو نقض اصل حاکمیت قضایی دولت..... ۱۱۱
- ب. امکان جرم زایی دفاع از اموال از رهگذر نقض اصل حاکمیت قضایی دولت..... ۱۱۳
- پ. امکان اخلال در نظم اجتماعی به واسطه عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت..... ۱۱۵
- ت. امکان بزه دیده زایی دفاع مشروع..... ۱۱۶
- گفتار دوم. اضطراب..... ۱۱۷
- بند اول. تعریف و مفهوم اضطراب..... ۱۱۸
- بند دوم. مبانی اضطراب..... ۱۱۸
- الف. بینش عینی..... ۱۱۸
- ب. بینش ذهنی..... ۱۱۹
- بند سوم. بررسی حقوقی..... ۱۲۰
- بند سوم. تحلیل جرم شناختی..... ۱۲۲
- الف. امکان جرم زایی حالت ضرورت به واسطه مشمول شدن اموال..... ۱۲۲
- ب. امکان بزه دیده زایی اجازه مضطر در عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت..... ۱۲۳
- گفتار سوم. امر آمر قانونی..... ۱۲۴
- بند اول. نظرات راجع به ارتباط امر و مأمور..... ۱۲۴
- الف. نظم و عدم بی نظمی (اطاعت حض)..... ۱۲۵
- ب. نظریه بررسی اوامر آمر..... ۱۲۵
- پ. نظریه تفکیک..... ۱۲۶
- بند دوم. تحلیل حقوقی..... ۱۲۶
- بند سوم: تحلیل جرم شناختی..... ۱۲۷
- گفتار چهارم. تنبیه و تربیت کودک..... ۱۲۸
- بند اول. مفهوم و مبانی تنبیه و تربیت..... ۱۲۸
- بند دوم. تحلیل حقوقی..... ۱۲۹
- الف. سابقه تقنینی..... ۱۲۹
- ب. تحلیل حقوقی بند ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی..... ۱۳۱
- بند سوم. تحلیل جرم شناختی ماده..... ۱۳۲
- الف. جرم زایی اجازه قانون گذار در تنبیه کودکان..... ۱۳۲
- ب. امکان بزه دیده زایی واگذاری اختیار تنبیه کودک به والدین و اولیای قانونی..... ۱۳۳
- ج. امکان بزه کار زایی تنبیه کودکان..... ۱۳۶
- مبحث دوم. قضا دایی..... ۱۳۸
- گفتار اول. تعریف، مفهوم و مبانی قضا دایی..... ۱۳۹
- بند اول. تعریف قضا دایی..... ۱۳۹
- بند دوم. مفهوم قضا دایی..... ۱۴۰
- بند سوم. دلایل قضا دایی..... ۱۴۱

الف. برچسب‌زنی یا داغ باطله زدن	۱۴۱
ب. جایگاه بزه‌دیده	۱۴۱
پ. سبک کردن بار دعاوی بر دستگاه قضایی و کاهش جمعیت کیفری	۱۴۲
ت. کاهش بار مالی دولت	۱۴۳
گفتار دوم. سازمان تعزیرات حکومتی و قضازدایی	۱۴۴
بند اول. سازمان تعزیرات حکومتی	۱۴۴
بند دوم. تعامل سازان تعزیرات حکومتی با قضازدایی	۱۴۶
الف. تعامل قضازدایی با جرم‌زدایی	۱۴۷
ب. تعامل قضازدایی با کیفرزدایی	۱۴۸
پ. سازمان تعزیرات حکومتی و تعامل آن با جرم‌زدایی	۱۴۹
ت. سازمان تعزیرات حکومتی و تعامل آن با کیفرزدایی	۱۵۰
گفتار سوم. قضایی‌زدایی و اصل حاکمیت قضایی دولت	۱۵۱
بند اول. اصل حاکمیت قضایی دولت	۱۵۱
بند دوم. قضازدایی	۱۵۲
الف. ابعاد مثبت قضازدایی	۱۵۳
ب. ابعاد منفی قضازدایی	۱۵۵
فصل دوم: موارد غیرموجه عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت در رسیدگی و مجازات	۱۵۹
مبحث اول. موارد مستقیم عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت	۱۶۰
گفتار اول. اجازه ضرب و جرح و قتل شخص مهدورالدم	۱۶۱
بند اول. مصادیق مهدورالدم	۱۶۲
الف. زنای محصن	۱۶۳
ب. زنای با محارم نسبی	۱۶۴
پ. زنای با زن پدر	۱۶۴
ت. زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان	۱۶۵
ث. زنای به عنف و اجبار	۱۶۵
ج. مفسد فی الارض	۱۶۵
چ. بغی	۱۶۶
ح. محاربه	۱۶۷
خ. سب‌النبی	۱۶۹
د. سرقت در مرتبه چهارم	۱۷۰
ذ. لواط	۱۷۱
ر. اجرای حد در مرتبه چهارم	۱۷۲
بند دوم. تحلیل جرم‌شناختی اختیار قتل مهدورالدم به افراد عادی	۱۷۲
الف. جرم‌زایی اختیار قتل مهدورالدم به غیر حاکمیت	۱۷۳

- ب. آشفته‌سازی نظام اجتماعی از رهگذر اجازه مجازات افراد به اشخاص عادی..... ۱۷۸
- پ. امکان بزه‌دیده‌زایی قتل مهدورالدم..... ۱۷۹
- ت. امکان بزه‌کارزایی عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت..... ۱۸۰
- گفتار دوم. قتل در فراش..... ۱۸۱
- بند اول. تعریف و مفهوم قتل در فراش..... ۱۸۱
- بند دوم. تحلیل حقوقی..... ۱۸۱
- الف. سابقه تقنینی..... ۱۸۱
- ب. تحلیل حقوقی..... ۱۸۲
- بند سوم. مبانی موجه بودن قتل در فراش..... ۱۸۴
- الف. تمهید و تحریک روحی روانی..... ۱۸۴
- ب. دفاع از عرض ناموس..... ۱۸۵
- پ. اجرا و اتقان حد الهی..... ۱۸۵
- ت. مهدورالدم. زن زانی و زانیه..... ۱۸۶
- بند چهارم. بی‌خیالی - اختیاری قتل در فراش..... ۱۸۶
- الف. جرم‌زایی، بطاء اختیار قتل‌زایی و زانیه به شوهر..... ۱۸۷
- ب. امکان بزه‌دیده‌زایی - رزق قتل در فراش..... ۱۸۸
- گفتار سوم. اجازه قانون‌گذار برای مقابله با محاربان «ماده ۲۸۰»..... ۱۹۰
- بند اول. تحلیل حقوقی ماده..... ۱۹۱
- الف. سابقه تقنینی..... ۱۹۱
- ب. تحلیل حقوقی..... ۱۹۱
- بند دوم. تحلیل جرم‌شناسی..... ۱۹۲
- الف. آشفته کردن نظم اجتماعی از رهگذر تمویض مبارزه با محاربان به مردم عادی..... ۱۹۲
- ب. امکان بزه‌کارزایی و بزه‌دیده‌زایی اعطای اختیار مبارزه با مجرمان..... ۱۹۳
- پ. جرم‌زایی اجازه مبارزه با مجرمان توسط قانون..... ۱۹۵
- گفتار چهارم. اجرای قصاص بدون اذن حاکم..... ۱۹۵
- بند اول. تحلیل حقوقی..... ۱۹۶
- الف. سابقه تقنینی..... ۱۹۶
- ب. تحلیل حقوقی..... ۱۹۶
- بند دوم. تحلیل جرم‌شناختی..... ۱۹۷
- الف. جرم‌زایی اختیار قصاص به دست صاحب دم..... ۱۹۷
- ب. برهم زدن نظم اجتماعی در اجرای قصاص بدون اذن حاکمیت..... ۱۹۸
- پ. امکان بزه‌دیده‌زایی اختیار صاحب قصاص در اجرای قصاص..... ۱۹۸
- مبحث دوم. عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت به واسطه تفاوت در مجازات..... ۲۰۰
- گفتار اول. قتل فرزند توسط پدر و عدم قصاص پدر..... ۲۰۳
- بند اول. تحلیل حقوقی..... ۲۰۳

۲۰۳	الف. سابقه تقنینی
۲۰۳	ب. تحلیل حقوقی
۲۰۴	بند دوم. تحلیل جرم‌شناختی
۲۰۴	الف. امکان جرم‌زایی قتل فرزند توسط پدر و عدم قصاص پدر
۲۰۵	ب. بزه‌دیده‌زایی تفاوت در مجازات قتل فرزند توسط پدر
۲۰۶	پ. نادیده گرفتن نظم اجتماعی
۲۰۷	گفتار دوم. قتل غیرمسلمان توسط مسلمان و عدم قصاص مسلمان
۲۰۷	بند اول. تحلیل حقوقی
۲۰۷	الف. سابقه تقنینی
۲۰۷	ب. تحلیل حقوقی
۲۰۸	بند دوم. نحاس جرم‌شناسی
۲۰۸	الف. امکان جرم‌زایی تفاوت در مجازات قتل غیرمسلمان
۲۰۹	بند دوم. بزه‌دیده‌زایی بودن تفاوت در قتل غیرمسلمان
۲۰۹	گفتار سوم. تفاوت در قصاص بواسطه عدم تساوی در عقل
۲۱۰	بند اول. تحلیل حقوقی
۲۱۰	الف. سابقه تقنینی
۲۱۰	ب. تحلیل حقوقی
۲۱۱	بند دوم. تحلیل جرم‌شناختی
۲۱۱	الف. امکان جرم‌زایی عدم قصاص قاتل در قتل جنون
۲۱۱	ب. امکان بزه‌دیده‌زایی عدم قصاص قاتل مسنون
۲۱۲	گفتار چهارم. عدم قصاص مرد در قتل زن جز با ر. کرد، فاضل دیه
۲۱۳	بند اول. تحلیل حقوقی
۲۱۳	الف. سابقه تقنینی
۲۱۳	ب. تحلیل حقوقی
۲۱۴	بند دوم. تحلیل جرم‌شناختی
۲۱۴	الف. جرم‌زایی تفاوت در دیه زن و مرد و مشروط کردن قصاص مرد، قاتل دیه
۲۱۴	ب. امکان بزه‌دیده‌زایی تفاوت در دیه مرد و زن
۲۱۷	منابع

مقدمه

با نگاهی گذرا به تاریخ تحولات حقوق چنین برمی آید که در طی قرن‌ها، نهادهای اجتماعی یکسانی در عرصه زندگی مردمان پدیدار شده‌اند و جوامع بشری مراحل یکسانی را به پیمودن و تشکیلات اجتماعی پشت سر گذاشته‌اند. باور بر این است که حقوق کیفری، مراحل چهارگانه‌ای را طی کرده است: در مرحله نخست؛ «بزه دیده» یا خانواده وی از جرم، انتقام می‌گرفتند (انتقام‌جویی خصوصی)، به تدریج با پیشرفت جوامع، اختلافات ناشی از جرم، با مصالحه داوطلبانه میان بزه دیده و بزه‌کار خاتمه می‌یافت، در مرحله سوم، این اختلاف به صورت مصالحه رسمی و قانونی و معیارهای معین میان بزه دیده و مجرم، برقرار می‌گردید و بالاخره در مرحله آخر و کنونی؛ به عنوان تکامل یافته‌ترین مرحله - درجه پایه، کیفر عمومی - «عدالت عمومی» ظاهر می‌شود که در آن حیثیت عمومی جرم و کیفر، بر حیثیت خصوصی آن ارجحیت پیدا می‌کند.^۱ در واقع به تدریج که اقتدار دولت‌ها افزایش یافت، استحکام پیدا کرد، گذر از مرحله دادگستری خصوصی به دادگستری عمومی شتاب بیشتری گرفت و ضرورت مداخله قضایی پیش از هر گونه انتقام‌جویی گسترش یافت.^۲

بدین ترتیب، عدالت هنگامی عمومی می‌شود که دولت تحمیل مجازات را بر عهده گرفته، آن را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که موضوع اصلی آن جبران خسارت اجتماعی بوده و بزه دیده موقعیت تبعی داشته باشد و دعوای کیفری بدون ضرورت

۱. رولان، نوربر، *انتقام‌جویی و تحول آن از دیدگاه انسان‌شناسی حقوقی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (ویژه حقوق)، سال اول، شماره ۲، مشهد، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸.

۲. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹، ص ۶۵.

مداخله وی به طور عادی جریان پیدا کند.^۱ در این راستا، یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری شکل گرفت که در این کتاب از آن تحت عنوان «اصل حاکمیت قضایی دولت» نام می‌بریم. بر مبنای این اصل غیرقابل نقض فعلی، هیچ کس به هیچ روی نمی‌تواند دیگری را مجازات کند و این صلاحیت به دولت تعلق دارد.^۲

بنابراین می‌توان گفت که در جوامع فعلی، واکنش اجتماعی علیه مجرمان دارای یک ویژگی قضایی است، یعنی، مجرم هنگامی مجازات می‌شود که قبلاً به جرم وی در مراجع قضایی (کیفری) بر طبق اصول و قواعد خاص، رسیدگی شده و پس از اثبات تقصیر حکم محکومیت قطعی درباره وی صادر شود.^۳ از زمانی که انسان‌ها برای زندگی گروهی گرد هم آمده‌اند، بزه وجود داشته است. چنانچه کتیبه اسپانیایی موجود در رم مجازات بزه‌ها و والانس متعلق به دوره پیش از تاریخ که صحنه اجرای مجازات را نشان می‌دهد، در دسترس است.^۴ در واقع، جرم یک واقعیت انسانی و اجتماعی است. از بعد انسانی، شناخت این واقعیت کنجکاوی پزشکان، روان‌شناسان، و حتی ادیبان و نویسندگان را برانگیخته است.^۵ از بعد اجتماعی ذهن جامعه‌شناسان و حقوقدانان را به خود مشغول کرده است. صاحب‌نظرهای نظام قضایی در کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمان برای جلوگیری از انحراف مجازات‌های فردی و خودسرانه یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری در سده‌های اخیر است، عموم صاحب‌نظران علوم کیفری بر این مسئله اتفاق نظر دارند که یکی از مشخصه‌های اساسی جوامع و دولت‌های مدرن در مقایسه با جوامع بدوی و غیرمدرنی - صاحب‌نظران انحصاری دولت در اعمال واکنش‌های اجتماعی علیه جرم است.^۶ ضرورت حفظ حقوق آزادی‌های فردی و

۱. استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ و بولک، برنار، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷، صص ۶۰-۶۱.

۲. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (کلیات حقوق جزا)، جلد اول، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۲۵.

۳. خزانی، منوچهر، جزوه آیین دادرسی کیفری (۱)، مقطع دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸-۱۳۷۷، ص ۱.

۴. برخی از حقوقدانان از این اصل به «اصل لزوم دادرسی کیفری برای تعیین مجازات یا اقدامات تأمینی» نام برده‌اند (آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۷، ص ۶۲).

۵. برادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، تهران، سمت، ۱۳۷۳، ص ۱۵.

۶. شیدا، محمدرضا، (۱۳۸۰)، «عدالت بدون دادگاه»، روزنامه همشهری، شماره ۲۵۱۷، جمعه ۶ مهرماه، ۱۳۸۰، ص ۸.

همچنین رعایت نظام عمومی و جلوگیری از هرج و مرج و ایجاد ناامنی در جامعه^۱، اهمیت توجه به مسئله فوق را دوچندان می‌کند.

درواقع تنها مرجع به کارگیری خشونت، حکومت (به‌خصوص دستگاه قضایی در مقام اعمال کیفر) است^۲ و هرگونه به کارگیری خشونت و اعمال قوه قهریه توسط افراد عادی (غیررسمی) هرچند در مقام پاسخ و مبارزه با مجرمیت ممنوع است، زیرا اعطای مجوز مبارزه با بزهکاری به افراد و گروه‌های عادی نتیجه‌ای جز، شکل‌گیری شبکه‌های دفاع شخصی از خود و آیین‌های انتقام‌جویی و دادگری فردی، نخواهد داشت و این منی به حاشیه رانده شدن دولت و جایگزینی افراد و گروه‌های خودسر، جان آن و به خطر افتادن حقوق و آزادی‌های شهروندان است. بنابراین، برای جلوگیری از این پیامد ای منفی در همه جوامع متمدن فعلی اجرای عدالت و مبارزه با بزهکاری از طریق ابزارهای قهرآمیز در اختیار دولت - دستگاه عدالت کیفری - قرار گرفته است.

تدوین‌کنندگان قوانین کیفری ایران در بعد از انقلاب بدون تعمق و تدبیر کافی در هماهنگی برخی از احکام فقهی و ساخت نظام حقوقی معاصر در مباحث

ایده نام‌گذاری این کتاب از این مقاله اقتباس شده است. هرچند در ابتدا قصد نویسندگان استفاده از عنوان «خوددادگری کیفری» بود اما به دلیل اینکه این عنوان شامل برخی تعارضات کتاب از جمله مبحث دوم فصل دوم بخش اول (قضازدایی) نمی‌شد، عنوان کنونی ترجیح داده شد.

۱. از نظرگاه اندیشه‌های سیاسی در عصر جدید، اساساً فلسفه‌ی و جری‌ت‌های جدید را «امنیت» دانسته‌اند، یعنی قرارداد اجتماعی بر یک داد و ستد مبتنی است: افراد، آزادی خود را به یک نیروی برتر تفویض می‌کنند تا در مقابل، این نیروی برتر، امنیت آنها را تأمین کند (سریع‌القول، حداد، «مبانی فرهنگی افزایش احساس امنیت عمومی»، نشریه امنیت، شماره ۱۵ و ۱۶، مهر و آبان، تهران، راروت کشور، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

۲. از همین رو، واضعان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف این قانون، سبب سبب سبب قوه‌ی قضائیه را تنها مرجع کشف جرم و اعمال مجازات عنوان کرده و هرگونه اقدام خودسرانه توسط افراد و گروه‌های غیررسمی را در این زمینه ممنوع اعلام کرده‌اند، بر اساس بند ۴ اصل ۱۵۶، ق. ا. ج. ا. قوه قضائیه یگانه مرجع کشف جرم، تعقیب، مجازات، تعزیر و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام، می‌باشد و اصل ۳۶ همین قانون تأکید می‌کند که «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

۳. تفویض اختیار مبارزه با بزهکاری به جامعه و به تبع آن اعمال این حق توسط هیئت حاکمه به معنای بی‌توجهی به بزه‌دیده - که صاحب اختیار اولیه دعواست - در فرایند کیفری و اجرای عدالت نمی‌باشد، بلکه هر چند امروزه، اجرای عدالت جنبه عمومی پیدا کرده است، اما همچنان بزه‌دیدگان در کنار دستگاه عدالت کیفری نقش مهمی را در مراحل مختلف فرایند کیفری ایفا می‌نمایند (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: عزت، عبدالفتاح، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳، بهار ۱۳۷۱).

حدود، قصاص و دیات فقط به ترجمه صرف این احکام (به‌ویژه از تحریرالوسیله امام خمینی (ره)) بسنده کرده‌اند^۱ و به مقتضیات زمانی و مکانی در استنباط و استدراج احکام توجه نداشته‌اند^۲. این رویه حتی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز با وجود گذشت ۳۵ سال از وقوع انقلاب و افزایش تجربیات قانون‌گذاری منطبق بر قوانین اسلامی، همچنان دنبال شده است. تصویب آزمایشی قانون مجازات اسلامی بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی^۳ نیز به واسطه عدم طرح و بحث در زمینه جزئیات و تک‌تک مواد پیشنهادی، عامل دیگری است که منجر به بی‌توجهی به برخی اصول بنیادین قانون‌گذاری کیفری گردیده است.

قانون‌گذار ایران در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی، به افراد عادی نوعی مجوز مبرزه بزه‌کاری را از طریق اعمال خشونت به صورت کنشی و فعال اعطا کرده است. این قانون‌گذار با تجویز ارتکاب اعمال «جرم‌گونه» چه به طور صریح و یا ضمنی، افراد را در برخی مواقع به جای «دادگستری» نشانده تا خود رأساً نقض

۱. یکی از فقهای حقوقدان که از روزهای آغاز انقلاب در کشور نویسی کشور حضور داشت در مورد تدوین قوانین کیفری در بعد از انقلاب بیان می‌دارد: «در آغاز انقلاب، بعد از داستان رئیس جمهوری بنی‌صدر و درگیری شدیدی که در داخل پیدا شد و موضع گیری عده‌ای در مقابل احکام اسلامی، حرکتی شروع شد و آن، اینکه احکام باید طبق موازین فقهی باشد. این دو، یک مرتبه این جو حاکم شد که متن کتاب تحریرالوسیله و بخشی از شرایع ترجمه شود و در قانون مجازات عمومی را برداشتند و قانون مجازات اسلامی مطرح شد. یکی از اعضای شورای عالی قضایی، وظیفه داد که این ترجمه را انجام دهد و خیلی سریع به مجلس داده شد و تصویب گردید» (محقق داماد، حطیف، «محدودیت‌های بر حدود و اجرای علنی آن»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، سال ۱۳۸۱، شماره ۲، زمستان، مشهد، ۱۳۸۰، ص ۱۱-۱۰).

۲. حسینی نیک، سیدحسین، (۷۳-۱۳۷۲) «بحران در سیاست جنایی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران)، ۱۳۷۳-۱۳۷۲، ص ۷۹.

۳. بر اساس مفاد این اصل: «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذریبط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالفت قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد».

هنجارهای اجتماعی (جرم یا انحراف) را کشف نموده و عدالت را به تشخیص فردی خود اجرا کنند.

با مطرح شدن طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس شورای اسلامی^۱، اهمیت توجه به اصل حاکمیت قضایی دولت یک بار دیگر ضرورت خود را نشان داد. در این طرح هرچند هرگونه اقدام مجرمانه علیه اشخاص به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، منع و مستوجب مجازات طبق قانون شده است، اما با توجه به ابهام در مراحل امر به معروف و کاربرد الفاظ کلی و مبهم در این زمینه طرح مذکور محدودی زیادی موجبات عدول از اصل حاکمیت دولت را فراهم خواهد ساخت. از سوی دیگر، با توجه به ابهام در موضوع امر به معروف و نهی از منکر و واگذاری حق دادگستری به شهروندان عادی، طرح مذکور می‌تواند موجبات افزایش تنش بین شهروندان را فراهم کند و در نتیجه با ترسیم اوضاع و احوال پیش‌جنایی زمینه جرم‌رایی و بزه‌دیده‌زایی قانون مذکور را فراهم سازد.

با وجود پذیرش اصل حاکمیت قضایی دولت یا اصل قضایی بودن اعمال مجازات در حقوق کیفری امروز، و به تبع آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،^۲ این قانون، بررسی رویکرد

۱. نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور عملی ساختن اصل حاکمیت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه موضوع امر به معروف و نهی از منکر طرحی را تحت عنوان طرح «بایست از آمران به معروف و ناهیان از منکر به مجلس شورای اسلامی ارائه دادند که شماره ثبت ۴۶۰ به تاریخ ۹۳/۴/۱ ثبت و با قید فوریت پس از تصویب در کمیسیون قضایی-حقوقی و تصویب ۲ فوراً در صحن علنی مجلس بررسی و تصویب شد و بعد از ایرادهای چهارده گانه شورای نگهبان به مجلس عملاً داده شد. طرح مذکور در نهایت با تصویب مجلس شورای اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسیده و به قانون تبدیل شد و با عنایت به اهمیت در سطح افکار عمومی و در سطح حقوقی و قضایی، تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی آن از اهمیت اساسی برخوردار است. طرح مذکور از ابعاد مختلف حقوقی و جرم‌شناختی قابل بررسی است که در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اول: با توجه به اصل ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی و با در نظر گرفتن ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ اصل حاکمیت قضایی دولت از اصول بنیادین حقوق کیفری ایران محسوب می‌شود. براساس این اصل اعمال مجازات و خشونت علیه شهروندان فقط وظیفه دولت و حاکمیت بوده که پس از طی فرآیند خاصی تحت عنوان فرآیند کیفری قابلیت اعمال دارد. بنابراین اصل اولیه حکایت از ممنوعیت و واگذاری حق دادگستری به شهروندان عادی است. بی‌توجهی به اصل مذکور می‌تواند موجبات خوددادگری و سیاست جنایی آنارشستی را فراهم نماید. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که تا چه میزان قانون‌گذار در قانون مذکور به این اصل بنیادین توجه کرده و سیاست ترسیمی او تا چه میزان قابلیت توجه را دارد؟ دوم: از نظر جرم‌شناسی و حقوقی نیز قانون مذکور قابل بررسی است، سؤال این است که عدول قانون‌گذار از اصل حاکمیت قضایی دولت و توسعه قلمرو علل موجهه جرم تا چه میزان می‌تواند موجبات جرم‌زایی، مجرم‌پروری و بزه‌دیده‌زایی قانون مذکور را فراهم سازد؟

قانون‌گذار ایران نشان می‌دهد که در پرتو استنباطی خاص از اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچنان اصل مذکور در مواردی مورد بی‌توجهی و نقض قرار گرفته است. در نتیجه تبیین رویکرد قانون‌گذار در این زمینه از منظر حقوقی و جرم‌شناسی ضروری است در این راستا کتاب حاضر در دو بخش تدوین شد. با توجه به کاربرد اصل حاکمیت قضایی دولت و پذیرش جهانی آن و همچنین حمایت از این اصل، بخش اول به مبانی و دلایل موجه اصل حاکمیت قضایی دولت و راهکارهای حمایتی از آن می‌پردازد. این بخش از آن جهت اهمیت دارد که با روشن ساختن مبانی توجیهی شکل‌گیری اصل حاکمیت قضایی دولت، تشریح دلایل پذیرش جهانی آن در حقوق کیفری مدرن می‌پردازد. در فصل اول این بخش، بنیان‌های راجع به شناسایی اصل حاکمیت قضایی دولت می‌پردازیم. در این فصل بنیان‌های نظری راجع به حمایت از این اصل نظیر قرارداد اجتماعی، عدالت، برابری، احترام به کرامت انسانی و حاکمیت قانون مورد توجه قرار گرفته است. دلایل جرم‌شناختی پذیرش این اصل نیز در مبحث دوم از منظر جرم‌زایی، بزه‌دیده‌زایی و رتایفه دولت در حفظ نظم و امنیت و پیشگیری از جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کارهای حقوقی راجع به حمایت از اصل نیز در فصل دوم این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. جرم‌انگاری نقض اصل حاکمیت قضایی دولت از جمله رویکردهای نوین قانون‌گذار ایرانی در کنار تجویز نقض آن می‌باشد که در این فصل در کنار سایر سازوکارهای حمایتی مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش دوم با توجه به اینکه عدل از اصل حاکمیت قضایی دولت مشکلاتی از نظر جرم‌شناختی در جامعه ایجاد خواهد کرد و همچنین برای حمایت از بزه‌دیدگان نقض این اصل، به موارد عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت در دو فصل با عنوان‌های نادیده گرفتن اصل حاکمیت قضایی دولت به واسطه عوامل موجه و موارد غیرموجه عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت در رسیدگی و مجازات خواهیم پرداخت. در تمامی مباحث این دو فصل در کنار تحلیل حقوقی موارد عدول از اصل حاکمیت قضایی دولت به تحلیل جرم‌شناختی موضوع نیز می‌پردازیم.

این کتاب از معدود نوشتگان حوزه «جرم‌شناسی قانونی یا حقوقی» در ایران می‌باشد. دیرزمانی نیست که «دانش جرم‌شناسی» در کشور ما رونقی گرفته است.